

بسمه تعالی

تعزیه در ایران و زانوس

تعزیه در ایران از زمان آل بویه نیمه اول قرن چهارم شکل گرفت. زمانی که احمد بن بویه، در سال 321 قمری، به حکومت رسید. در سال 334 بغداد را گرفت، و خلیفه عباسی المستکفی را تحت سلطه خود درآورد، و خلیفه، او را «معزالدوله» لقب داد. معزالدوله که شیعه بود از محرم همان سال دستور داد تمام بازارهای بغداد را ببندند و همه جا را سیاه پوش کنند و به عزاداری سیدالشهدا (ع) از جمله به برگزاری تعزیه بپردازند. تا پایان حکومت آل بویه یا دیالمه (321 تا 443 هـ: ق) که در ایران جنوبی و عراق حکومت می‌کردند. همه ساله، شیعیان در دهه اول محرم، در تمام شهرها عزاداری و به تعزیه خوانی مشغول بودند در دولت سلجوقیان (431 تا 556 هـ. ق) سوگواری برای خاندان رسول اکرم (ص) عمومی شد؛ و طی چندین سده، مرحله به مرحله، شکل نمایشی تعزیه یا شبیه‌خوانی را به خود گرفت. با انقراض حکومت سلجوقیان به دست خوارزمشاهیان که اغلب سنی مذهب بودند تعزیه به یک باره ممنوع شد تا زمان صفویان که حاکمان آنها شیعه بودند دوباره تعزیه رونق گرفت. هنر تعزیه به صورت کلاسیک از دوره صفویه آغاز شد و تا دوره قاجاریه به شکل تکاملی خود رسید ناصرالدین شاه قاجار یکی از طرفداران پا به قرص تعزیه بود و در رونق آن نقش یسزایی داشت. این سیر صعودی در زمان رضاشاه و با دستور ممنوعیت اجرای آن، تعزیه یک بار دیگر رو به افول نهاد. این ممنوعیت منجر به پراکندگی دسته جات تعزیه در کشور شد که شکل‌گیری و اجرای دوباره آن، زمینه انحرافات و تحریفاتی را در تعزیه فراهم کرد.

تعزیه در آغاز به صورت ساده برگزار می‌شد و منظور آن بیان احوال و مصایب خاندان ابا عبدالله الحسین (ع) و واقعه غم انگیز کربلا بود و شیعیان هم شرکت در این مراسم را جزء تکالیف دینی خود می‌شمردند. کم‌کم گروه‌هایی پیدا شدند که صرفاً تعزیه‌داری و تعزیه خوانی حرفه اصلی آن‌ها شمرده می‌شد. رونق و رواج تعزیه باعث شد که سادگی و بی‌پیرایگی جای خود را به تحریف بدهد.

علمایی که تعزیه را در مقام جریان دین می‌دیدند، عالمی چون "زمخشری اعتقاد داشت: «هر کس برای امام حسین (ع) گریست بدون شک با او در بهشت محشور می‌شود.» این تفکر بعدها تقویت شد که اگر شخصی یا فردی به امام حسین (ع) ابراز علاقه و ارادت کند، عملی نیک و خیر انجام داده، لذا او نیز همانند کسی که برای امام گریه می‌کند مستوجب پاداش است. بعد از زمخشری در زمان آغا محمدخان

قاجار نیز، آیت الله گیلانی تعزیه را مورد تائید قرار داده و کسانی را که آن را انکار می‌کردند مورد سرزنش قرار داد و از همه عاشقان حسین علیه السلام خواست از این جریان تعزیه حمایت کنند ایشان اولین کسی بود که موضوع شبیه خوان شدن مرد به جای زن را تائید کرد. آخرین تائید هم از جانب حضرت امام خمینی (ره) بوده است آن هم با رعایت شئون اسلامی.

بنابراین تعزیه در این تطورات به یک مشروعیت اعتقادی هم رسید و با این پوشش زمینه می‌بینیم که هنرمندان تعزیه به خصوص تعزیه خوانها بیشتر به سبب عشق و ایمان مذهبی به سراغ آن می‌رفتند و همین حضور قلبی باعث شد تا تعزیه به عنوان یکی از نادرترین درامهای اعتقادی جهان مطرح شود، و با چنین دیدی است که می‌توان به تعبیر درام اعتقادی دست پیدا کرد. زیرا دو عنصر حیاتی یعنی تماشاگر و بازیگر در آن حضوری عینی دارند که این حضور خود به صورت آیینی و سنتی است.

عناصری که تعزیه را در خود جایگزین کرده، بی‌شمارند ولی اساسی‌ترین آنها عبارتند از: شبیه خوانی، دسته روی، سینه زنی، مقتل خوانی، روضه خوانی، نوحه خوانی، شمایل گردانی و... متن تعزیه عموماً مثنوی، غزل، دوبیتی، رباعی، قطعه، قصیده، تصنیف، بحر الطویل، مناظره، رجز خوانی و... است.

تعزیه، مجموعه‌ای از نمایش‌های مذهبی است که مبتنی بر مصیبت‌هایی است که بر خاندان پیامبر اسلام و بعضاً حتی دیگر پیامبران الهی وارد شده است. اما مهم‌ترین و مشهورترین نوع آن، مربوط به رویداد عاشورا است. هدف اصلی تعزیه به صحنه کشیدن واقعه عاشورا و ظلم ستیزی امام حسین (ع) به صورت زنده و نمایشی با آداب خاص آن است و سوگواران را با مکتب حماسه و شهادت آشنا می‌کند، مکتبی که اسلام و امر به معروف و نهی از منکر را زنده کرد.

باید گفت که پیروی از پیام رهبر این نهضت است که ارزش والایی دارد. تردیدی نیست آن چشمی که بر امام حسین (ع) نگرید و آن دلی که برای مصائب شهیدان نینوا نسوزد، چشم و دل بشری نیست، اما این مطلب، از آن سخن موهوم و باطل جداست که گفته‌اند: «امام حسین (ع) شهید شد تا مردم دور هم جمع شوند و برگشته شدن او بگریند و بعد هم اگر چه عمری در گناه و عصیان به سر برده باشند، آمرزیده شوند؛ زیرا امام فدای امت گنه‌کار گردید!!؟» دقیقاً این همان تفکری است که مسیحیان به آن دامن می‌زنند و معتقد هستند هرکس عیسی مسیح را خدا و پسر خدا بداند و باور داشته باشد که عیسی مسیح به صلیب کشیده شد هرگناهی که مرتکب شود در روز قیامت عیسی مسیح آن را شفاعت می‌کند و آمرزیده می‌شود.

تعزیه را می توان به چند دوره تقسیم کرد : دوره ی اول و ابتدایی تعزیه در عصر دیالمه است که گروهی شیعی در قرن چهار هجری بودند که خلفای بنی عباس را هم تا حدودی به زیر سلطه خود درآوردند. یکی از پادشاهان دیالمه برای اولین بار در قرن چهارم، ده روز اول محرم را تعطیل رسمی اعلام کرد و مراسم عزاداری از جمله تعزیه خوانی را آغاز کرد.

تعزیه از ابتدا تا کنون موافق و مخالفان زیادی داشته است به همین خاطر در ادوار مختلف دارای افت و خیزهای زیادی بود .

در آغاز حکومت رضاخان تعزیه قدغن شد که یک مخالف، حکومت عصر رضا شاه بود. مخالف دیگر، روشنفکران ایرانی بودند که تعزیه را یک حرکت قهقرایی که با موازین تمدن مطابقت ندارد، می دانستند و ایرج میرزا شدیداً تعزیه را می کوبید. سومین مخالف هم عالمان، مومنین و علمای راستین اسلامی نظیر علامه محدث نوری بودند که به خاطر تحریفهای موجود، مخالفت می کردند. شهید مرتضی مطهری هم به دلیل همین انحرافات شدیداً با تعزیه مخالف بود .

اما تعزیه از سه جهت همچنان باید حفظ و نگهداری شود. یک زاویه این است که به لحاظ سنت و آیین نمی توانیم تعزیه را رها کنیم چرا که به هر حال یک جلوه از فرهنگ این دیار است و در آثار سفرنامه های اروپاییان مطرح شده و نظیر آثار تاریخی بخشی از کشور ما است. زاویه دیگر مورد تایید، نگاه هنری و ادبی است که نمی توان از تعزیه گذشت و ما هزاران متن تعزیه داریم . در سال 1391 آقای احمدی نژاد ریاست جمهور وقت ایران تعزیه را در سازمان ملل به نام ایران به ثبت رسانید

با توجه به ارادت خاص مردم زانوس به اهل بیت عصمت و طهارت بخصوص خامس ال عبا سیدالشهداء امام حسین (ع) عزاداری و تعزیه خوانی از دیر باز در زانوس رواج داشته است . بنابراین تعزیه در زانوس نسبت به سایر هیئت ها و نهاد ها از قدمت بیشتری برخوردار است . نسخه ها و نوشته های بجا مانده از تعزیه ی زانوس بیانگر این واقعیت است . قدیمی ترین نسخه ایی که از تعزیه زانوس بجا مانده متعلق به سال 1269 هجری قمری است . با توجه به نوشته ی این متن مشخص است که تعزیه قبل از این هم در زانوس رواج داشته است .

همانطوری که در بالا اشاره شد ارادت مردم زانوس فقط به تعزیه و مداحی و مرثیاتی خلاصه نمی شد بلکه موقوفه های زیادی نیز برای عزاداری سیدالشهداء (ع) بجا مانده که معروف ترین این موقوفه ، موقوفه ی خرامان خانم پاشا زانوسی است که در سال 1331 هجری قمری تنظیم گردیده و در آن به صراحت اشاره شده تا از وجوهات آن صرف تعزیه خوانی در حسینیه زانوس گردد .

از آنجائیکه تعزیه خوانی در زانوس از اهمیت بالایی برخوردار بود شخصیت های زیادی در زانوس در تعزیه خوانی و تعزیه گردانی نقش داشتند . از جمله سردار کبیر ، میرزاخرم ، محمد قلی بک ، پاشا خان ، از چهره های بنام و برتر تعزیه زانوس بودند . و در چند دهه گذشته شخصیت هایی چون : میرزا ابوالقاسم پاشا ، ملا علی اوسط پاشا ، ابوتراب پاشا ، کربلایی نظر پاشا ، مشهدی علی گدا پاشا ، سلیمان و اسماعیل پاشا ، محمدتقی پاشا ، استاد قدرت اله پاشا ، اسماعیل پاشا و علی اکرم پاشا از گردانندگان و تهزیه خوانان بنام زانوس بودند .

بنابراین تعزیه در زانوس هم اکنون کمافی السابق به قوت خود باقی است و تعزیه خوانان مجرب همه ساله در ایام محرم و ماه صفر مراسم تعزیه را به صورت سنتی در حسینیه زانوس و در صورت مساعد بودن هوا در حیاط حسینیه برگزار می کنند . تعزیه خوانان حال حاضر زانوس عبارتند از آقایان :

ربیع پاشا فرزند میرزا بابا ، غلام پاشا فرزند مهر علی ، ، حاج یوسف پاشا فرزند علی اکبر ، حاج قربان پاشا فرزند حاج ستار ، اردوان پاشا فرزند فرهاد ، اردشیر پاشا فرزند غلام حبیب اله پاشا فرزند امان اله ، رحمت پاشا فرزند علی اعظم ، یعقوب پاشا فرزند اسحاق ، کربلایی غلامرضا پاشا فرزند حاج مهدی ، علی اصغر پاشا فرزند غلام ، روح اله پاشا فرزند علی اعظم ، بشیر پاشا فرزند علی اکبر ، بهنام پاشا فرزند حاج قربان ، علی اکبر پاشا فرزند اردشیر ، عباس پاشا فرزند حاج محمد ، امیر حسین چراغیان فرزند امین (منصور) ، مهزاد غریب فرزند مصطفی . حمید پاشا فرزند محمد و رضا پاشا فرزند اردوان

اردوان پاشا زانوس

مدیر هیئت جوانان حضرت علی اکبر (ع) زانوس